



University of Science and Quranic Knowledge
Shahrood Faculty of Quranic Sciences

The Qur'anic Approach to Cultural Formation of Women in Specific, Shared, and Interactive Legal Verses of the Medinan Surahs

Khadija Ahmadi Beighash¹ 

1. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. kh.ahmadi@modares.ac.ir

Detailed Abstract

Research objective:

The present study examines the method of Qur'anic cultural formation in relation to the legal verses (*Āyāt al-Aḥkām*) concerning women across three domains: specific, shared, and interactive with men, particularly in the Medinan surahs. This issue represents a significant aspect of the divine discourse on women.

The analysis aims to uncover the network of Qur'anic legal verses concerning women and the developmental trajectory of their subjects, illustrating how the Qur'an employs methods to create greater influence and engagement among its audience with these rulings. Based on these considerations, the objective of this study is to investigate the evolutionary process of Qur'anic cultural formation through the revelation of explicit legal verses related to women.

This study employs a descriptive-analytical approach. The research universe consists of the Qur'anic verses, and the research sample focuses on the explicit legal verses (*Āyāt al-Aḥkām*) specifically pertaining to women.

To examine the developmental trajectory of the revelation of women-specific legal verses, the study first collected all relevant explicit legal verses from the Qur'an. Subsequently, these verses were analyzed through library-based sources, including exegetical, narrational, and historical references, in order to investigate the Qur'anic method of cultural formation in addressing this category of verses related specifically to women.

methodology:

This study employs a descriptive-analytical approach. The research universe consists of the Qur'anic verses, and the research sample focuses on the explicit legal verses (*Āyāt al-Aḥkām*) specifically pertaining to women.

To examine the developmental trajectory of the revelation of women-specific legal verses, the study first collected all relevant explicit legal verses from the Qur'an. Subsequently, these verses were analyzed through library-based sources, including

Received: 4/11/2024; Received in revised form: 21/12/2024; Accepted: 5/2/2025; Published online: 13/6/2025

◆ How to cite: Ahmadi Beighash, Khadija (1404SH): "The Qur'anic Approach to Cultural Formation of Women in Specific, Shared, and Interactive Legal Verses of the Medinan Surahs", *Journals Comparative Interpretation Studies*, 10(19), P238-265, [10.22034/cs.2025.487118.1487](https://doi.org/10.22034/cs.2025.487118.1487)



exegetical, narrational, and historical references, in order to investigate the Qur'anic method of cultural formation in addressing this category of verses related specifically to women.

Findings:

In this study, the legal verses (*Āyāt al-Aḥkām*) concerning women in the Medinan surahs—where their juridical capacity is explicit and clear—were examined. The findings indicate that the primary audience of the Qur'an consisted of the people of the time of revelation, and the verses were revealed in response to their positive and negative behaviors. Subsequently, the audience extends to people after the time of revelation until the Day of Judgment, who are obligated to read and act upon the Qur'anic messages. In contrast, the women-related legal verses in the Meccan surahs are scattered and implicit, even appearing in narrative passages such as in the *Āyāt al-Qiṣaṣ*. The propagation of Islam in Mecca concluded in an environment dominated by the struggle against idolatry, limited interaction with the People of the Book, and an unfavorable context for social implementation of certain issues—including women's legal rulings. Consequently, these matters were not explicitly addressed in the Meccan verses but were instead revealed explicitly in the Medinan surahs.

Analysis of the Medinan surahs regarding women's legal verses (*Āyāt al-Aḥkām*) across the three domains—specific to women, shared with men, and interactive with men—indicates that in Medina, the social environment allowed for the implementation of religious culture. The divine legislation and the teachings of the Prophet (PBUH) provided the necessary groundwork for the formation of a faith-based society.

Consequently, issues such as women-specific legal verses, which are important and require cultural embedding, are explicitly addressed in these verses. The process of cultural formation and their transformation into social norms can thus be clearly understood.

Ket words: Shared Legal Verses for Women and Men, Women-Specific Legal Verses, Interactive Legal Verses between Women and Men, Qur'anic Method of Cultural Formation

روش فرهنگ سازی قرآن کریم در آیات الاحکام اختصاصی، مشترک و تعاملی زنان در سوره های مدنی

خدیدجه احمدی بیغش^{id}

۱. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. kh.ahmadi@modares.ac.ir

چکیده

قرآن، کتاب جهان شمول برای هدایت همه بشر است که در فرآیند نزول محتوای خود روش را نیز به مخاطب ارائه نموده تا با فرهنگ سازی، ابعاد تربیتی و غیره آن به خوبی محقق گردد. یکی از مهم ترین مسائل قرآن آیات الاحکام زنان است که به صورت غیرمستقیم در سوره مکی و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در سوره مدنی مورد اشاره قرار گرفته اند. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که روش قرآن کریم در فرهنگ سازی آیات الاحکام زنان در چه حیطه هایی قابل تحلیل است. بررسی توصیفی و تحلیل داده ها بر اساس روش سیر تنزیلی این آیات نشان می دهد قرآن کریم آیات الاحکام زنان را به صورت مستقیم در سوره مدنی با سه حیطه: آیات اختصاصی، آیات مشترک و آیات تعاملی با مردان ارائه نموده است. تمرکز نزول آیات الاحکام زنان بر آیات تعاملی زنان با مردان و به دنبال فرهنگ سازی در ابعادی چون: ایجاد، حفظ و ارتقاء شخصیت و کرامت انسانی زنان، بطلان عقاید خرافی و جاهلی از ساده ترین تا سخت ترین آن ها در عصر نزول بوده است.

کلیدواژه ها: آیات الاحکام مشترک زنان و مردان، آیات الاحکام اختصاصی زنان، آیات الاحکام تعاملی زنان با مردان، روش فرهنگ سازی قرآن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۱۴ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۳/۲۳

استناد به این مقاله: احمدی بیغش، خدیجه (۱۴۰۴): «روش فرهنگ سازی قرآن کریم در آیات الاحکام اختصاصی، مشترک و تعاملی زنان در سوره های مدنی»، *دوفصلنامه مطالعات تفسیر تطبیقی*، ۱۰(۱۹)، ۲۶۵-۲۳۸. [10.22034/csqa.2025.487118.1487](https://doi.org/10.22034/csqa.2025.487118.1487)

۱. طرح مسئله

قرآن، کلام خدا و دربردارنده تمام نیازهای هدایتی و تربیتی مردم از زمان نزول تا انتهای هستی است. مخاطبان این کتاب در وهله اول مردمان عصر نزول که آیات قرآن با توجه به رفتارهای مثبت و منفی آن‌ها نازل شده است؛ سپس مردمان بعد از عصر نزول که موظف‌اند پیام‌های قرآنی را خوانده و به آن‌ها عمل نمایند؛ به عبارت دیگر مخاطب قرار دادن مسلمانان صدر اسلام اصل عقلایی محاوره‌ای در جهانی بودن دعوت قرآن، برای راهبری همه مسلمانان در گذر تاریخ است. تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که روش فرهنگ‌سازی قرآن کریم در نزول احکام مربوط به زنان چگونه بوده است. بررسی و تحلیل فرآیند نزول این دسته از آیات نشان می‌دهد گستره آیات الاحکام بانوان، بخشی از سور مکی و مدنی را به خود اختصاص داده است. آیات الاحکام زنان در سور مکی پراکنده و به صورت غیرمستقیم، حتی در آیات القصص قابل احصاء است؛ به عنوان نمونه در سوره تکویر که سوره مکی است، با زنده‌به‌گور کردن دختران و فقدان برخی از حقوق ابتدایی برای ایشان مواجه می‌شویم، یا در آیات مربوط به قصه موسی (ع) و دختران شعیب که با بسیاری از حقوق از جمله اشتغال بانوان، صحبت با نامحرم و... که به صورت غیرمستقیم در ارتباط است، گسترش می‌یابد. این آیات به صورت غیرمستقیم و با هدف مبارزه با تفکر و نگاه غلط به زنان در جامعه جاهلی آن روزگار اشاره دارد؛ درحالی‌که حیطه این آیات در سور مدنی به صورت مستقیم و در سه عرصه آیات الاحکام بانوان اختصاصی، مشترک، تعاملی با مردان آمده است. در این پژوهش آیات الاحکام زنان در سور مدنی که ظرفیت فقهی آن‌ها مستقیم و آشکار است، در سه عرصه احکام مختص به زنان، احکام مشترک میان زنان و مردان و احکامی تعاملی زنان با مردان، مورد بررسی قرار گرفته است.

هدف این پژوهش کشف روش قرآن در شبکه‌ای از آیات الاحکام زنان و سیر تطوری موضوعات آن جهت تأثیر بهتر و بیشتر بر مخاطبان، به منظور انس با این احکام است. تحقیق حاضر ابتدا آیات الاحکام زنان مربوط به هر سوره استخراج را نموده و در سه عرصه آیات اختصاصی زنان، آیات مشترک بین زنان و مردان و آیات تعاملی زنان با مردان مورد تحلیل تنزیلی قرار داده تا در تحلیل فرآیند نزول، روش فرهنگ‌سازی خداوند در راهبرد مسائل و چالش‌های زمان نزول آیات الاحکام زنان آشکار گردد.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه آیات الاحکام زنان نگاه‌های متعددی به نگارش درآمده است. از جمله:

- کتاب: آیات النساء، نوشته محمدعلی صالح غفاری (۱۳۶۴) تنها به بیان آیاتی که مربوط به زنان است اشاره کرده است.

- کتاب: احکام بانوان، نوشته بهرام عظیمی (بی تا)، احکام تکلیفی بانوان را مورد بررسی قرار داده است.

- کتاب: پژوهشی قرآنی فقهی و حقوقی درباره مرد و زن، نوشته عباسعلی محمودی (۱۳۷۸)، آیات قرآن که به مباحث فقهی و حقوقی زنان و مردان پرداخته است را گردآوری نموده است.

- کتاب: سیر فرهنگ سازی پوشش اسلامی بر اساس سیر نزول، نوشته عبدالکریم بهجت پور (۱۳۹۶)، تنها احکام پوشش زنان را در سیر نزول مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله: سیر تطور فرهنگ سازی قرآن کریم در نزول آیات الاحکام صریح اختصاصی زنان، نوشته خدیجه احمدی بیغش (۱۴۰۱)، روش قرآن در فرهنگ سازی آیات الاحکام اختصاصی بانوان را تنها در آیاتی که صراحتاً بدانها اشاره داشته، بدون تحلیل مورد پردازش قرار داده است.

- مقاله: بازخوانی آیات الاحکام مربوط به زنان در سوره نساء، نوشته سعیده غروی (۱۳۹۶)، تنها به بررسی آیات الاحکام زنان در سوره نساء و بدون پرداختن به سیر تطور آن حتی در این سوره، پرداخته است.

- مقاله: فرآیند فرهنگ سازی نماز در قرآن با رویکرد ترتیب نزول وحی، نوشته رقیه براریان (۱۳۹۶)، نکته فراوان در این پژوهش بررسی سیر تنزیلی آیات الاحکام زنان در مورد زنان است.

- پایان نامه: جایگاه زن در حقوق کیفری ایران و فقه عامه، نوشته فریبرز اسدی، کارشناسی ارشد (۱۳۷۵)، به بررسی جایگاه زن در قوانین حقوق کیفری و فقه عامه پرداخته است.

و نگاشته‌های متعدد دیگر؛ اما نگاشته‌ای که سیر نزول آیات الاحکام زنان را به منظور کشف روش فرهنگ سازی در نزول این قبیل آیات و طبقه بندی و تحلیل آن‌ها پردازد، یافت نشد.

۳. مفاهیم پژوهش

مهم‌ترین مفاهیم این تحقیق عبارت است از: مفهوم آیات الاحکام زنان: آیات قرآن به سه دسته اصول اعتقادی، جنبه‌های اخلاقی و آیات الاحکام تقسیم می‌شود. مراد از آیات الاحکام آیاتی است که به نحو استقلالی یا انضمامی با آیات دیگر، با دلالت مطابقی یا التزامی و... برداشتی

مرتبط در مورد احکام مکلفین استنباط کرده و به احکام فقهی و تکالیف عملی ارتباط دارد (شهابی، ۱۳۷۵: ۴/۲؛ مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۸: ۲). آیات الاحکام دو دسته‌اند: آیاتی که ظرفیت فقهی آشکار داشته و مستقیماً متضمن حکم شرعی است یا آیاتی که ظرفیت فقهی خفی داشته و مدلول آن‌ها به صورت غیرمستقیم در کشف و تعیین حکم شرعی تأثیرگذار است (راوندی، ۱۴۰۵ ق: ۱۲۵/۲). بررسی و تحلیل آیات الاحکام مستقیم مربوط به بانوان در سه حیطه آیات الاحکام اختصاصی زنان، آیات الاحکام مشترک و تعاملی با مردان مسئله این پژوهش بوده است.

روش فرهنگ‌سازی قرآن: مطالعات درون قرآنی، فرآیند نزول تدریجی آن را در طول زمان رسالت پیامبر (ص) امری بدیهی نشان می‌دهد؛ زیرا گرچه قرآن برنامه هدایت برای تمامی اعصار است؛ اما نزول هر بخش از آیات آن با توجه به نیاز و وضعیت مخاطبان جامعه عصر نزول قرآن بوده و خداوند متناسب با مصلحت و اراده‌اش در تغییر و تحول همه‌جانبه مردم، آیات و سوره را به تدریج توسط پیامبر (ص) نازل نموده است (دروزه، ۱۳۸۳: ۳۹۶/۶). روش نزول تدریجی آیات بیشترین اثر را بر جامعه مکی و مدنی داشته است.

چینش مصحفی قرآن تنها محتوا و حکم را بدون توجه به روش قرآنی طرح آن بیان می‌دارد. حال آنکه شناخت فرآیند نزول قرآن ضمن ارائه محتوا، روش به اجرا درآمده قرآن و تحول اجتماع آن روزگار را تبیین داشته و به مخاطبان خویش روش انتقال فرهنگ قرآنی را نیز می‌آموزد؛ از این رو روش آن هم علاوه بر محتوا می‌تواند ما را در فهم معارف قرآن یاری نماید و شبکه‌ای به هم پیوسته و تحول‌آفرین در روش قرآن برای رفع نیازهای مخاطبان را ارائه نماید.

۴. فضای حاکم بر نزول آیات الاحکام زنان

تبلیغ اسلام هنگامی در مکه به پایان رسید که به دلیل جو غالب در مبارزه با شرک و بت‌پرستی، عدم تعامل با اهل کتاب و مساعد نبودن فضا در مکه برای جامعه پذیر شدن برخی از امور از جمله آیات الاحکام زنان، این مباحث به صورت مستقیم در آیات مکی مورد اشاره قرار نگرفت. به عبارت دیگر مؤمنان با بخش قابل قبولی از احکام الهی به صورت غیرمستقیم آشنا شدند.

اما در مدینه فرصت اجتماعی شدن فرهنگ دینی فراهم گشت و با تقنین‌های الهی و تعلیمات رسول الله (ص) تمهیدات شکل‌گیری جامعه ایمانی در مدینه فراهم شد. نزول بیست و هشت سوره قرآن در مواضع مختلف مدینه، عمداً ناظر به استقرار اجتماع دینی، ساماندهی قوانین لازم برای آن بود تا با رفع موانع

ایشان را به سمت استقرار دولت مرکزی و جامعه نوین اسلامی هدایت نماید (بهجت پور، ۱۳۹۸: ۱۳۶-۱۳۹)؛ از این رو مسائلی چون آیات الاحکام زنان که از جمله مباحث نیازمند به فرهنگ سازی است به صورت مستقیم در آیات آن پرداخته و تبدیل به فرهنگ و هنجاری اجتماعی شد.

۵. سیر آیات الاحکام زنان

با توجه به مطالب بیان شده سیر نزول آیات الاحکام زنان در سور مدنی عبارت اند از:

الف) سوره بقره

سوره بقره بر اساس ترتیب نزول هشتاد و هفتمین سوره نازل شده و اولین سوره از سور مدنی و در ترتیب مصحف دومین سوره قرآن کریم است. در این سوره به صورت مستقیم به موضوع آیات الاحکام زنان در سه عرصه اختصاصی، مشترک و تعاملی با مردان پرداخته است. جدول آیات الاحکام زنان این سوره عبارت اند از:

ردیف	شماره آیه	نسبت با زنان	نمایه موضوعی
۱	۲۲۲	تعاملی	حیض
۲	۲۲۸	تعاملی	عده طلاق
۳	۲۲۳	اختصاصی	مدت شیردهی
۴	۱۷۸	مشترک	قصاص
۵	۱۸۰	مشترک	وصیت
۶	۲۸۲	مشترک	شهادت
۷	۱۸۷	تعاملی	آمیزش در ماه رمضان
۸	۲۲۱	تعاملی	ازدواج با زن باایمان
۹	۲۲۶	تعاملی	ایلاء
۱۰	۲۲۹	تعاملی	طلاق خلع
۱۱	۲۳۰	تعاملی	طلاق بدون رجوع
۱۲	۲۳۲	تعاملی	نفی سنت جاهلی منع رجوع
۱۳	۲۳۴	تعاملی	عده وفات
۱۴	۲۳۵	تعاملی	ازدواج با زنان بیوه

۱۵	۲۳۶-۲۳۷	تعاملی	وجوب قطعی مهریه
۱۶	۲۴۱	تعاملی	مهریه طلاق در عقد

حیض: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا مِنَ النِّسَاءِ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَظْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ» (بقره/۲۲۲). آنچه از مستندات شیعه و اهل سنت در شأن نزول این آیه آمده، نشان می‌دهد یهودیان در زمان حیض زنانشان را از خانه بیرون کرده و حتی از دستشان غذا و آب نمی‌خوردند. مسلمانان از پیامبر (ص) در مورد این مسئله سؤال کردند (طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۲/۲۲۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲/۲۰۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۵۸؛ راوندی، ۱۴۰۵ ق: ۱/۵۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق: ۱/۴۳۸، جرجانی، ۱۳۷۷ ش: ۱/۲۸۲)؛ در نتیجه این آیه نفی پیروی مسلمانان از یهود و نصارا، مبارزه با سنت غلط را دربردارد.

عده طلاق: «وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَجِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ» (بقره/۲۲۸)؛ براساس شأن نزول این آیه ابتدای اسلام طبق یک سنت غلط مرد زن را سه بار طلاق می‌داد (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۲، ۲۷۰)، آیه اقدام زنان به کتمان بارداری خود را که غالباً به قصد از بین بردن حق رجوع شوهر خود یا ازدواج بعدی بود حرام می‌شمارد و رجوع به زن در ایام عده را حق شوهر می‌داند (عسقلانی ۱۴۱۵ ق: ۱/۲۱۹).

مدت شیردهی: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۳۳)؛ این آیه در مورد دوران شیردهی نوزادان است. مراد آیه زن مطلقه‌ای است که از شوهر خود فرزند شیرخوار دارد. خداوند بیان داشت مادران باید فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. بر پدر فرزند هم نفقه و حمایت اقتصادی در این ایام واجب است. روایات متعدد نیز این مراد را تأیید می‌کند (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۰۳/۶).

قصاص: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره/۱۷۸)؛ این آیه علاوه بر شأن نزول روایات متعددی دارد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۱/۱۵۷) بررسی تفاوت کمی و کیفی زن و مرد در این آیه اشاره دارد به اینکه در اسلام اگر زنی، مردی را به قتل رساند قصاص شده؛ اما اگر مردی زنی را به قتل رساند، در صورتی قصاص می‌شود که

اولیای زن نصف دیه مرد را به اولیای مرد بپردازند. چراکه غالباً وظیفه اقتصادی خانواده بر عهده مرد بوده (صدر، ۱۳۵۵: ۴۱؛ طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۱۴۵/۵) و با این حکم از خلأ اقتصادی که به یک خانواده می‌رسد جلوگیری گردد.

وصیت: «إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ» (بقره/۱۸۰)؛ برای این آیه شأن نزول خاصی در کتب سبب نزول پیدا نشد؛ اما روایات ذیل این آیه (بحرانی، ۱۴۱۶ ق: ۳۷۹/۱) بر رد محروم بودن زنان از اموالشان در زمان جاهلیت و وصیت ایشان در اموالشان حکایت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۶۱۶).

شهادت: «وَاسْتَشْهَدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا» (بقره/۲۸۲)؛ برای این آیه شأن نزولی در کتب سبب نزول پیدا نشده؛ ولی روایات ذیل این آیه (برازش، ۱۳۹۴: ۲/۴۰۶) لزوم قرار دادن شاهد برای مبادلات غیر نقدی را بیان می‌دارد. علت عدم برابری شهادت زن و مرد، برتری احساسات زن مربوط می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۳۰۸).

آمیزش در ماه رمضان: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ» (بقره/۱۸۷)؛ سبب نزول متعدد برای این آیه بیان می‌دارد (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۵۳) که طبق رسمی غلط قبل از نزول این آیه، در شب و روز ماه رمضان زناشویی حرام بود، با نزول این آیه حلیت آن تشریح و حرمتش نسخ‌گشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۴۴/۲).

ازدواج با زن با ایمان: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُوْمِنَنَّ وَلَا مَئِمَّةً مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكَحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ» (بقره/۲۲)؛ شأن نزول‌های متعدد برای این آیه (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۷۵) بیان می‌دارد که زن با ایمان اگرچه کنیز باشد بهتر است از زن مشرک؛ ولو آزاد باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۵۶۰).

ایلاء: «الَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره/۲۲۶)؛ شأن نزول متعدد این آیه (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۵۶۷) عدم در معرض قرار دادن خداوند در سوگندهای غیر عقلی و شرعی را تبیین می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲/۲۲۲).

طلاق خلع: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ» (بقره/۲۲۹)؛ این آیه بیان می‌دارد اگر شوهر بترسد که زن با ادامه همسری مرتکب گناه شود یا واجبی را ترک کند یا در

انجام وظایف زناشویی از شوهر خود اطاعت نکند؛ در این صورت شوهر می تواند زن را طلاق خلع دهد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۷۹/۲).

طلاق بدون رجوع: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره/۲۳۰)؛ شأن نزول این آیه (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۴۱۷ ق: ۲/۲۳۳) و نادیده گرفتن حقوق زنان در طلاق را نفی می کند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۵۷/۳).

نفی سنت جاهلی منع رجوع: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۳۲)؛ شأن نزول متعدد این آیه (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۸۴) مبارزه با سنت غلط و جاهلی منع مردان در رجوع به زنان پس از پایان عده طلاق را بیان می دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸۳/۲).

عده وفات: «وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره/۲۳۴)؛ برای این آیه شأن نزول خاصی در کتب سبب نزول پیدا نشد. روایات این آیه (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۷/۶) را از مسائل اساسی زنان بعد از مرگ شوهرانشان (نوری، ۱۳۸۵: ۶۱۷) و رعایت حریم زناشویی حتی بعد از مرگ ایشان می داند.

جواز ازدواج با بیوه: «وَالْجُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا وَاَعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرِضُوا عَقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ» (بقره/۲۳۵)؛ آیه شأن نزول خاصی در کتب سبب نزول ندارد. روایات این آیه (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۲۳/۸) عقد ازدواج در زمان عده را باطل اعلام می دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۳).

وجوب قطعی مهریه: «الْجُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفَرَّضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَامْتَسُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ... وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصَفْ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ» (بقره/۲۳۶-۲۳۷)؛ شأن نزول خاصی برای این آیات در کتب تفسیری نیست؛ اما روایات ذیل این آیات (مجلسی، ۱۳۶۳: ۳۵۶/۱۰۰) حکم قطعی مهریه را بیان می کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۹۸/۲).

مهریه طلاق در عقد: «وَالْمُطَلَّاتُ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره/۲۴۱)؛ این آیه در نوع عملکرد مسلمانان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۰۳/۲) در مورد زنانی است که

مهري به آنان هنگام عقد تعلق نگرفته و قبل از آمیزش طلاق داده شدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۱۵).

تحلیل کلی: آیات الاحکام زنان مطرح شده در سوره بقره غالباً تدبیر قوانین به منظور پاسبانی از حریم انسانیت زن و خانواده محسوب می شود که عمدتاً صبغه حقوقی داشته و در آن ها به گونه ای کاملاً واضح جانب زنان - که به طور طبیعی در رفتارهای جنسی خود محدودتر از مردان بوده و لطمات وارده بر آن ها در چالش های حقوقی و خانوادگی به مراتب بیشتر از مردان است - رعایت شده است. بسیاری از تزامم های مربوط به روابط مشروع زناشویی در کنار دیگر قوانین عبادی مانند روزه، اعتکاف، یا شرایط خاصی چون عادات ماهانه زنان یا چالش هایی که روابط عادی همسران را دچار اختلال می کرد، چون ایلاء، طلاق، فوت مردان، عده، شیردهی و... مورد توجه قرار داشته و در تمام آن ها برای تسهیل در روابط اجتماعی، قوانین و الگوهای رفتاری لازم را تدبیر نمود. مثلاً نگاهی به احکام طلاق، وصیت، ارث و خانواده، نشان می دهد که احکام این دوره در حیطه های اختصاصی، تعاملی و مشترک بوده، به طور عمده در دفاع از زنان شکل گرفته است. چراکه مردان امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت و یا بهره از کنیزان را داشتند.

ب) سوره احزاب

سوره احزاب که در ترتیب نزول نودمین سوره نازل شده و دومین سوره مدنی و در ترتیب محصف سی و سومین سوره قرار داد، به صورت مستقیم به موضوع آیات الاحکام زنان آیات در عرصه آیات اختصاصی و تعاملی با مردان می پردازد. جدول آیات الاحکام بانوان این سوره عبارت اند از:

ردیف	شماره آیه	نسبت با زنان	نمایه موضوعی
۱	۳۰	اختصاصی	عذاب آخرتی همسران پیامبر
۲	۳۲	اختصاصی	نهی از نازک کردن صدا
۳	۳۳	اختصاصی	نهی از تبرج
۴	۴۹	تعاملی	نفی عده در طلاق پیش از زناشویی
۵	۵۵	اختصاصی	عدم لزوم حجاب در مقابل محارم
۶	۵۹	اختصاصی	حجاب
۷	۵۳	تعاملی	حریم شناسی در ارتباط با همسران پیامبر

عذاب اخروی زنان پیامبر (ص): «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» (احزاب/۳۰)؛ این آیه شأن نزولی در کتب تفسیری ندارد؛ اما روایاتی (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۴/۲۶۸) حکم آن را مربوط به زنان پیامبر که مادران امت و الگو برای سایر زنان مسلمان هستند، برمی‌شمارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۵۶).

نهی از نازک کردن صدا: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب/۳۲)؛ برای این آیه شأن نزولی در کتب سبب نزول پیدا نشد؛ اما روایات (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۲/۲۶۷) نگاه خاص به رفتار زنان در مقابل نامحرمان (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶/۳۰۸) برای تمامی زنان از اول اسلام و تا بی‌نهایت بیان شده است.

نهی از تبرج: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (احزاب/۳۳)؛ این آیه حکم خاص عدم تبرج زنان پیامبر را بیان می‌دارد. (قریشی، ۱۳۷۷: ۸/۳۵۵)

نفی عده در طلاق پیش از زناشویی: «إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَعَّوهُنَّ وَسَرَ حُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب/۴۹)؛ آیه شأن نزول خاصی در کتب تفسیری ندارد. عده نگه داشتن زن یک نوع حق برای مرد محسوب می‌شود، زیرا ممکن است زن باردار بوده، یا عده فرصتی برای رجوع مرد به زن باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/۳۷۲).

عدم لزوم حجاب در مقابل محارم: «الْأَجْنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا إِبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَآتِيَتُنَّ اللَّهَ» (احزاب/۵۵)؛ آیه در کتب تفسیری سبب نزول خاصی ندارد؛ اما روایاتی (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۵/۵۳۱) بیان می‌دارد بعد از نزول آیه حجاب این حکم در برابر برخی محارم چون پدران، فرزندان و... برداشته شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/۴۱۱).

حجاب: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب/۵۹)؛ آیه فوق چند شأن نزول دارد (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۳۷۷) که حکم قطعی حجاب زنان را جهت شناخته شدن به عفت و پاک دامنی مستقیم بیان می‌دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۸۰).

حریم شناسی در ارتباط با همسران پیامبر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ

حِجَابِ» (احزاب/۵۳)؛ مطابق شأن نزول آیه (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۸/ ۳۷۴) آداب دخول به خانه پیامبر بیان شده است (قریشی، ۱۳۷۷: ۸/ ۵۷۶).

تحلیل کلی: آیات الاحکام زنان که در سوره احزاب در بعد اختصاصی و تعاملی آمده، نشان می‌دهد قرآن نگاه تک بعدی و تک ساحتی به اجتماع مؤمنان نداشته و این دسته از آیات الاحکام بانوان نشانه شخصیت قرآنی اجتماعی آنان تا زمان نزول سوره احزاب را ارائه داشته و پرداختن به راه‌های کنترل و مدیریت غرایز را بیان می‌دارد؛ زیرا در این مرحله با تبدیل ارزش‌ها به هنجارها و قواعد رفتاری و پیاده‌سازی علمی ارزش‌ها در عرصه اجتماع، گاه باید از خواسته‌های شخصی، به نفع مصالح اجتماعی گذشت و آن‌ها را تبدیل به هنجار کرد.

ج) سوره ممتحنه

سوره ممتحنه که در ترتیب نزول نود و یکمین سوره نازل شده و سومین سوره از سور مدنی است و در ترتیب مصحف شصتمین سوره قرار داد. این سوره به صورت مستقیم به موضوع آیات الاحکام زنان در عرصه اختصاصی و تعاملی با مردان می‌پردازد. جدول آیات الاحکام بانوان این سوره عبارت‌اند از:

ردیف	شماره آیه	نسبت با زنان	نمایه موضوعی
۱	۱۲	اختصاصی	بیعت زنان با پیامبر
۲	۱۰-۱۱	تعاملی	مهریه زنان مرتد

بیعت زنان با پیامبر: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ» (ممتحنه/۱۲)؛ روایات شأن نزول این آیه (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/ ۴۱۴) حکم بیعت زنان را با پیامبر که حکایت از ارزشمندی زنان از دیدگاه اسلام دارد را بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/ ۲۴۲).

مهریه زنان مرتد: «وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ دَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا» (ممتحنه/۱۰-۱۱)؛ این آیه شأن نزولی در کتب سبب نزول ندارد؛ اما حکم مهر زنانی را که از اسلام جدا شده و به کفر پیوسته‌اند، بیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴/ ۴۱).

تحلیل کلی: آیات الاحکام بانوان در این سوره در حیطه اختصاصی و تعاملی

حکایت از دعوت تازه واردان به اجتماع مؤمنان برای رعایت هنجارهای جامعه ایمانی در سایه توجه به این آیات الاحکام دارد.

۵) سوره نساء

سوره نساء بر اساس ترتیب نزول نود و دومین سوره نازل شده و چهارمین سوره از سور مدنی و چهارمین سوره در ترتیب مصحف است. سوره نساء به صورت مستقیم به موضوع آیات الاحکام بانوان در عرصه اختصاصی و تعاملی با مردان می‌پردازد. جدول آیات الاحکام زنان این سوره عبارت‌اند از:

ردیف	شماره آیه	نسبت با زنان	نمایه موضوعی
۱	۳	تعاملی	تعدد زوجات
۲	۴	تعاملی	مهریه
۳	۷ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۷۶	مشترک	میزان ارث زنان و مردان
۴	۱۵	تعاملی	شهادت بر فحشا
۵	۱۹	تعاملی	شرط تحریم ارث
۶	۲۰	تعاملی	حرمت بازپس‌گیری مهریه
۷	۲۲-۲۴	تعاملی	محرمات نکاح
۸	۲۵	تعاملی	شرط مهریه برای ازدواج با کنیزان
۹	۳۲	مشترک	کسب درآمد زنان
۱۰	۳۴	تعاملی	نشوز زن
۱۱	۳۵	تعاملی	رفع اختلاف زوجین
۱۲	۴۳	تعاملی	طهارت بعد از رابطه زناشویی
۱۳	۱۲۸	تعاملی	نشوز مرد

تعدد زوجات: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسُطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (نساء/۳)؛ شأن نزول متعدد آیه (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۱/۳) بیان می‌دارد اسلام به واسطه ضرورت‌های اجتماعی

تعدد زوجات را در شرایط خاص، به دلیل بقای غریزه جنسی و دور کردن جامعه از فحشا و نابسامانی مجاز شمرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۴/۱۶۶؛ مطهری، ۱۳۵۳: ۲۴۷).

مهریه: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا» (نساء/۴)؛ آیه شأن نزول خاصی در کتب تفسیری ندارد؛ ولی روایات ذیل آیه (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ ق: ۳/۲۶۴) مهریه را عطیه‌ای از جانب شوهر برای احترام و بزرگداشت زن بیان کرده، نه اینکه زن متاع باشد و مهریه قیمت او (قریشی، ۱۳۷۷: ۲/۲۸۱).

میزان ارث زنان و مردان: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا» (نساء/۷)؛ این آیه در رد روش ناپسند عرب جاهلی که دختران را از ارث محروم می‌کردند، نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۱۸).

همچنین میزان ارث زنان و مردان در آیه دیگری مورد اشاره قرار گرفته است: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا... وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلِكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كِلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً...» (نساء/۱۱ و ۱۲). شأن نزول متعدد این آیه (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۲۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۲/۱۲۶) قوانین ارث زن و مرد را تبیین می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۴/۲۱۲). اسلام بر اساس وظایف و تعهدات اقتصادی که برای مرد در نظر گرفته، بدون تبعیض اقدام به تقسیم ارث نموده است. لذا قوانین باب ارث، منافاتی با قوانین مدنی اسلام ندارد (مطهری، ۱۳۵۳: ۲۵۳).

«يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكِلَالَةِ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتْ اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ...» (نساء/۱۷۶).

همچنین در شأن نزول متعدد آیه فوق (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۲۲۹) ارث خواهران و برادران در صورتی آمده که فرزند در میان نباشد و برای هر دو زن و مرد حکمی را بیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۲۳۸).

شهادت بر فحشا: «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّكَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكَ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» (نساء/۱۵)؛ در منابع اسباب النزول برای این آیه شأن نزول خاصی ذکر نشده است... اما روایات ذیل این آن (صدوق، ۱۳۸۵: ۲/۵۰۹) حکم شهادت بر فحشا زنان را بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۴/۲۳۵).

شرط تحریم ارث: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لَتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ...» (نساء/۱۹)؛ شأن نزول متعدد این آیه (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۹) چند عادت ناپسند مانند محسوب کردن زوجه از ترکه و میراث زوج، بازپس گرفتن مهریه با زور و اجبار، قطع نفقه وارث از زنان پاک دامن و... را مورد اشاره قرار داده و به مسلمانان هشدار می‌دهد که آلوده آن‌ها نشوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/۳۲۰).

حرمت بازپس‌گیری مهریه: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا» (نساء/۲۰)؛ این آیات شأن نزول خاصی در کتب سبب نزول ندارد. روایات ذیل آیه (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۰۰/۳۵۰) بیان می‌دارد هنگام طلاق زنان مهریه‌ای که هنگام ازدواج قرار دادید، پس نگیرید (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۴/۲۵۴).

محرمات نکاح: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا. حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمْ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَضْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ... وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء/۲۲-۲۴)؛ برای این آیات شأن نزول مختلفی بیان شده (واحدی

نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۱۵۲) مهم‌ترین محرمات نکاح را برمی‌شمارد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۵۰) تا با سنت‌های غلط در این زمینه مبارزه نماید.

شرط مهریه برای ازدواج با کنیزان: «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضَكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَحْدَانٍ فَإِذَا أَحْصِنَّ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ» (نساء/۲۵)؛ این آیه شأن نزول خاصی در کتب سبب نزول ندارد؛ ولی روایاتی ذیل آن بیان شده (حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۰/۵۰۸) که شرایط ازدواج با کنیزان را بیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/۳۴۸).
کسب درآمد زنان: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء/۳۲)؛ شأن نزول و روایات متعدد این آیه (فخر رازی ۱۴۲۰ ق: ۱۰/۶۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۳/۲۰) گویای آن است که آیه در پاسخ به سؤالات زنان در مورد: رفتن به جهاد، کم بودن سهم ارث زن از مرد که گمان می‌کردند ارزشی نسبت به مردان ندارند، نازل شد (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۳۹۴).

نشوز زن: «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» (نساء/۳۴)؛ طبق شأن نزول‌های متعدد در این آیه (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۶۹) حکمی حکیمانه‌ای را در حل مشکلات زوجین بیان داشته و راه حل‌هایی را پیشنهاد می‌دهد (علامه مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۰۴/۵۸).
 رفع اختلاف زوجین: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» (نساء/۳۵)؛ شأن نزول متعدد این آیه (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۱۵۸) راه حل‌هایی برای حل اختلافات میان زوجین را بیان می‌کند (قریشی، ۱۳۷۷: ۲/۳۵۸).

طهارت بعد از رابطه زناشویی: «لَا مَسَّئُ الْمَنَسَاءِ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا» (نساء/۴۳)؛ این آیه شأن نزول خاصی در کتب سبب نزول ندارد (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۱۵۸). آیه دستوری را در ارتباط زناشویی با زنان بیان می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۸۱).

تحلیل کلی: آیات الاحکام مورد اشاره در این سوره اشاره به هنگامی داشت که هنجارهای اجتماعی به صورت کامل در جامعه مورد پذیرش عمومی قرار گرفت و تا حدودی به تثبیت رسید. به‌گونه‌ای که عرف جامعه آن روزگار این احکام و قوانین را در حیطه اختصاصی و تعاملی، در چهارچوب شرع به عنوان هنجار تلقی کرده و مخالفان با آن‌ها را مستحق مجازات اجتماعی و حقوقی بیان می‌کند. حتی با اجتناب از استمرار گناه‌های جنسی، توبه و اصلاح رفتار جنسی نامشروع شده و وعده توبه پذیری و مهربانی خداوند به افراد گناهکار داده شد.

هـ) سوره طلاق

سوره طلاق بر اساس ترتیب نزول نود و نهمین سوره نازل شده و پنجمین سوره از سور مدنی و شصت و پنجمین سوره در مصحف است. در سوره طلاق به صورت مستقیم به موضوع آیات الاحکام زنان در عرصه اختصاص و تعاملی با مردان می‌پردازد. جدول آیات الاحکام بانوان این سوره عبارت‌اند از:

ردیف	شماره آیه	نسبت با زنان	نمایه موضوعی
۱	۱-۲	تعاملی	عده طلاق
۲	۴	اختصاصی	عده زنان یائسه و باردار
۳	۶-۷	تعاملی	شرایط طلاق و عده

عده طلاق: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا. فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ» (طلاق/۱-۲)؛ این آیات شأن نزولی در کتب تفسیری ندارد؛ اما مسئله‌ای را بیان می‌دارد که زن و مرد یا باید به طور شایسته با هم زندگی کنند، یا به طور شایسته از هم جدا شوند. جدایی نیز باید خالی از هرگونه نزاع و تضييع حقوق باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۳۳).

عده زنان یائسه و باردار: «وَاللَّائِي يَأْتِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أَرْبَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق/۴)؛ طبق شأن نزول آیه در پاسخ به سؤال برخی زنان (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۴۵۸) در احکام عده زنان یائسه، زنانی که حیض نمی‌شوند و زنان باردار نازل شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹/۳۱۶).

شرایط طلاق و عده: «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمُّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمَ فَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَىٰ لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ» (طلاق/۶-۷)؛ این آیات شأن نزول خاصی در کتب سبب نزول ندارد، اما به شرایط احترام و اکرام در هنگام طلاق و دوران عده اشاره دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۵۰).

تحلیل کلی: آیات الاحکام زنان در این سوره نشان می‌دهد حکمت این حکم تلاش برای بازگرداندن میل دوباره شوهران به زنانشان، بازگشت و رجوع آنان به همسرانشان و نیز رعایت حرمت زنان مطلقه و ایجاد فرصت مناسب نسبت به آینده‌شان بود. همچنین مسائلی چون ممنوعیت بیرون کردن زنان مطلقه از خانه و فرصت بازگشت شوهر به زندگی مشترک پس از طلاق، آرامش چندماهه زن مطلقه برای تأمین مسکن با ارتکاب فحشای جنسی ملغی شده را در بردارد؛ زیرا فحشای جنسی مانع تداوم حمایت حقوقی الهی از زنان شده و چنین زنان مطلقه‌ای حق مسکن را در این دوران از دست خواهند داد.

ز) سوره نور

سوره نور بر اساس ترتیب نزول صد و سومین سوره نازل شده و ششمین سوره از سور مدنی و بیست و چهارمین سوره در ترتیب مصحف است. سوره نور به صورت مستقیم به موضوع آیات الاحکام زنان در سه عرصه اختصاصی، مشترک و تعاملی با مردان می‌پردازد. جدول آیات الاحکام بانوان این سوره عبارت‌اند از:

ردیف	شماره آیه	نسبت با زنان	نمایه موضوعی
۱	۲	مشترک	اجرای حد زنا
۲	۳	مشترک	منع ازدواج با زن زناکار
۳	۴، ۷-۹	تعاملی	اتهام به زن عقیف
۴	۱۱	تعاملی	اتهام به همسر پیامبر (افک)
۵	۳۰	تعاملی	غض بصر مردان
۶	۳۱	تعاملی	غض بصر زنان
۷	۳۳	تعاملی	منع اجبار کنیزان بر فحشا
۸	۵۸-۵۹	تعاملی	اذن ورود به خلوتگاه
۹	۶۰	اختصاصی	حجاب زنان سالخورده

سال دهم
شماره اول
پیاپی: ۱۹
بهار و تابستان
۱۴۰۴

اجرای حد زنا: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» (نور/۲)؛ آیه شأن نزولی در کتب تفسیری ندارد؛ اما روایات

(مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۲۶/۶۶) به عدم دخالت احساسات در اجرای حکم مجازات زنان و مردان آلوده به فحشاء، اشاره دارد تا سبب عبرت دیگران هم شود (فخررازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۴۸/۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳۶۱/۱۴).

منع ازدواج با زناکار: «الرَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (نور/۳)؛ درخواست مردی مسلمان از پیامبر جهت ازدواج با زن زناکار سبب نزول این آیه بود (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۳۲۶؛ کلینی، ۱۳۶۹: ۱۳۵۵/۵).

اتهام به زن عفیف: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا... وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَرْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ... وَالْخَامِسَةَ أَنْ لَعَنَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ. وَيَذَرُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ. وَالْخَامِسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (نور/۴، ۷-۹)؛ شأن نزول متعدد این آیه (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۳/۷) کسانی را که به زنان عفیف نسبت زنا می‌دهند و چهار شاهد بر صدق ادعای خود نمی‌آورند مستحق هشتاد تازیانه دانسته، چراکه فاسق شده‌اند، دیگر شهادتی از آنان قبول نمی‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۸۱/۱۵).

اتهام به همسر پیامبر (افک): «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ...» (نور/۱۱)؛ این آیه در صد و سومین سوره نازل شده در مدینه است. مطابق نشان نزول (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۷/۷) آیه خطاب به اتهام زندگان به همسران پیامبر است.

غض بصر مردان: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ...» (نور/۳۱)؛ مطابق با شأن نزول آیه (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۵۸۸/۳) دستوراتی را به مرد هنگامی که زن نامحرمی در دایره دید او قرار گرفت، بیان می‌دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴، ۴۳۷).

غض بصر زنان: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» (نور/۳۱)؛ طبق روایتی در ذیل این آیه از امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از پیامبر (ص) نازل شد و دستوراتی را برای بانوان در این زمینه مطرح کرد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق: ۵۸۸/۳).

منع اجبار کنیزان بر فحشا: «وَلَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتَلِيَ عَلَيْهِنَّ الْغِيَاةَ الدُّنْيَا» (نور/۳۳)؛ شأن نزول متعدد این آیه (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۳۳۶) حکایت از مبارزه قرآن با اعمال بسیار زشت بعضی

از دنیاپرستان در مورد اجبار بردگان به فحشا دارد. چراکه قرآن کریم شرافت و کرامت زن را حتی اگر کنیز باشد، به رسمیت شناخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۶۲/۱۴).

اذن ورود به خلوتگاه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ أَذْنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ... وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور/۵۸-۵۹)؛ مطابق شأن نزول آیه (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۳۲۹) کودکان هنگام ورود بر محل استراحت پدر و مادر تنها در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند؛ ولی نوجوانان بالغ اذن گرفتن به طور مطلق برای آن‌ها واجب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴/۵۴۰).

حجاب زنان سالخورده: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ» (نور/۶۰)؛ طبق روایات متعدد این آیه حجاب زنان سالخورده را از حکم حجاب مستثنی می‌کند (حرعاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۰/۲۰۲).

تحلیل کلی: دقت در آیات الاحکام زنان در سوره نور در سه بعد اختصاصی، تعاملی و مشترک حکایت از برخورد سلبی و قطعی حقوقی و اجتماعی مسلمانان با منحرفان از مسیر پاک دامنی اعم از مسلمان و غیر آن، از جمله عوامل بازدارنده افراد از هنجارشکنی دارد. خداوند متعال برای تقویت انگیزه تنبیهات اجتماعی و حقوقی ناظر به آیات الاحکام زنان در این سوره ایمان مؤمنان را پشتوانه‌ای برای اجرای این آیات الاحکام قرار داده و آنان را از ترجیح دادن عواطف فردی بر مصالح اجتماعی بر حذر می‌دارد.

و) سوره مجادله

سوره مجادله که در ترتیب نزول صد و ششمین سوره نازل شده و هفتمین سوره از سوره مدنی و پنجاه و هشتمین سوره در ترتیب مصحف است. سوره مجادله به صورت مستقیم به موضوع آیات الاحکام بانوان تنها در عرصه احکام زنان تعاملی با مردان می‌پردازد. جدول تنها آیه الاحکام زنان این سوره عبارت‌اند از:

ردیف	شماره آیه	نسبت با زنان	نمایه موضوعی
۱	۲-۴	تعاملی	حرمت اظهار

حرمت ظهار: «الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَائِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ. وَالَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ تُوَعِّظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا» (مجادله/۲-۴)؛ بر اساس شأن نزول متعدد این آیه (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ق: ۴۲۹) خداوند یک عقیده خرافی را با جمله و حکمی کوتاه و قاطع در هم کوبید (قریشی، ۱۳۷۷: ۵۶/۱۱). حکم تعاملی مربوط به بانوان مطرح شده در این آیات حاکی از آن است که خداوند متعال با رعایت حقوق انسانی و اخلاقی بانوان با انتقاد، نهی و هشدار درباره پدیده ضد الهی و اخلاقی پرداخته و مردم را از فرجام بد و آثار وضعی عقیده خرافی ظهار در سطح اجتماع بر حذر داشته است. چراکه بی توجهی به خرافی بودن این امور موجب آلودگی‌های اخلاقی، عدم امنیت روانی و به حاشیه رفتن رفتارهای پاک گشته و گسترش فضا‌های مسموم اخلاقی فراهم می‌آورد.

ز) سوره مائده

سوره مائده بر اساس ترتیب نزول صد و سیزدهمین سوره نازل شده و هشتمین سوره از سوره مدنی و پنجمین سوره در ترتیب مصحف است. سوره مائده به صورت مستقیم به موضوع آیات الاحکام زنان در عرصه احکام مشترک با مردان می‌پردازد. جدول تنها آیه الاحکام بانوان این سوره عبارت‌اند از:

ردیف	شماره آیه	نسبت با زنان	نمایه موضوعی
۱	۴۵	مشترک	قصاص

قصاص: «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ» (مائده/۱۱۳)؛ برای این آیه شأن نزول خاصی در کتب سبب نزول و تفسیری پیدا نشد؛ ولی روایاتی متعدد ذیل این آیه (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳۱۲/۴) حکم قصاص در اقسام مختلف جنایات؛ یعنی قتل نفس، قطع عضو و زخم وارد آوردن، بیان می‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۵/۳۴۴).

به طور کلی قرآن کریم با پرداختن به مسئله قصاص با جریان آلودگی‌های اخلاقی اجتماعی که محصول بینشی تاریک و جاهلی است، جلوگیری و مبارزه می‌کند. اتخاذ قوانین قاطع حقوقی و اجتماعی برای افراد خاطی، موجب شد که احکام

الهی نیز رنگ اجتماعی و حقوقی به خود گرفته و تفاوتی میان زن و مرد در آن‌ها قائل نباشد. تا با مجازات افراد خاطی برخی از فرصت‌های چالش‌برانگیز را از آن‌ها بگیرند. از این‌رو با در نظر گرفتن قوانین حقوقی دستور می‌دهد این افراد را سخت و مناسب تنبیه و قصاص نموده و از داشتن نگاه عاطفی و رأفت به ایشان بر حذر می‌دارد.

نتیجه‌گیری

خداوند متعال معارف الهی قرآن را محدود به تأمل در محتوای آیاتش نکرده، بلکه با توجه به فضای نزول، روش نزول آیات را در مواقف گوناگون مدنظر داشته است. نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر عبارت است از:

- فرآیند نزول آیات الاحکام زنان، به عنوان آیتی که مخاطبان خود را ملزم به انجام وظایف محوله می‌دارد حاکی از آن است که خداوند متعال در جامعه جاهلی که حتی شخصیت انسانی برای زن قائل نبود، با یک روش نرم و تدریجی درصدد تغییر رویکرد نگاه جامعه به ایشان برآمده تا در پرتوی این تحول نگرش به زنان، احکام و قوانین خود را بهتر اعمال و اجرا نماید.

- آیات الاحکام اختصاصی زنان مستقیم در سوره‌های مدنی به بیان احکام مختص بانوان، در موضوعاتی نظیر حیض، عده طلاق، مدت شیردهی، عذاب آخرتی زنان رسول الله (ص)، نهی از نازک کردن صدا، عفت و حیا، حجاب، بیعت زنان با رسول الله (ص)، نشوز، عده یائسه و باردار، غض بصر زنان، حجاب سالخورده پرداخته است.

روش قرآن در طرح این موضوعات تطوری تحول‌گانه، در نگرش احترام‌آمیز به شأن فردی و اجتماعی بانوان را نشان می‌دهد. بدین معنا که در سیر نزول با تطور و تحول نوع و میزان احترام به زن روبرو هستیم.

- آیات الاحکام مشترک میان زنان و مردان که در کمیت و کیفیت میان زن و مرد متفاوت است، در رتبه هم‌تراز با آیات الاحکام اختصاصی زنان و در موضوعاتی نظیر قصاص، وصیت، شهادت، حق ارث، عدم تساوی ارث، کسب درآمد زنان، دیات، اجرای حد زنا، منع ازدواج با زناکار قرار دارد.

روش فرآیندی قرآن در این موضوعات نشان می‌دهد بیان آیات الاحکام از ساده به مشکل، مبارزه با رفتارهای غلط جاهلی، ایجاد آمادگی جهت پذیرش و اجرایی سازی آیات الاحکام مشترک میان زن و مرد، از جمله اهداف سیر تطور نزول این دسته آیات بوده است.

- آیات الاحکام تعاملی زنان و مردان بیشترین بسامد را در سرتاسر قرآن، در

موضوعاتی نظیر آمیزش در ماه رمضان، ازدواج با زن باایمان، ایلاء، طلاق خلع، طلاق بدون رجوع، عده طلاق، عده وفات، ازدواج با زنان بیوه، وجوب قطعی مهریه، مهریه طلاق در عقد، مهریه زنان مسلمان کافر شده، تعدد زوجات، شهادت بر فحشا، شرط تحریم ارث، عدم بازپس‌گیری ارث، محرمات نکاح، اختلاف زوجین، عدم اتهام به زن عقیف، غض بصر مردان، حرمتظهار، به خود اختصاص داده است.

تحلیل فضای نزول، سیر تطور، تأکید و تکرارهای فراوان موضوعات این دسته آیات نشان می‌دهد مقابله با سنت‌های غلط جاهلی زمان نزول از جمله مهم‌ترین اهداف این دسته آیات بوده تا با آموزش تدریجی و آماده‌سازی مخاطبان جهت پذیرش حقوق انسانی و حفظ کرامت بانوان، جایگاه ایشان در جامعه در کنار مردان ارج نهاده شود.

منابع

- *قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷): «الخصال»، تهران: کتابچی.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶): «مناقب آل ابی طالب»، نجف: المکتبه الحیدریه.
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ ق): «تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن ابی جمهور، زین الدین (۱۴۰۳ ق): «عوالی اللالی»، قم: موسسه سیدالشهداء.
- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بحرانی، سیده اشیم (۱۴۱۶ ق): «تفسیر البرهان»، تهران: بنیاد بعثت.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۸): «روش فرهنگ سازی پاکدامنی در قرآن»، قم: نشر هاجر.
- تمیمی مغربی، منصور ابن احمد (۱۳۸۵): «دعائم الاسلام»، قم: موسسه آل البيت (ع).
- جرجانی، ابوالمحاسن (۱۳۷۷): «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان»، تهران: سمت.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق): «وسائل الشیعه»، قم: موسسه اهل البيت (ع).
- دروازه، قطب الدین سعید (۱۳۸۳): «التفسیر الحدیث»، قاهره: داراحیاء.
- رازی، ابوالفتوح (۱۴۰۸ ق): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، مشهد: آستان قدس.
- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ ق): «مفاتیح الغیب»، بیروت: داراحیاء.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ ق): «فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام»، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ ق): «الدر المنثور فی تفسیر الماثور»، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ ق): «الاتقان فی علوم القرآن»، بیروت: دارالفکر.
- شهابی، محمود (۱۳۷۵): «ادوار فقه»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹): «قرآن در اسلام»، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۰): «مکارم الاخلاق»، قم: شریف رضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دارالمعرفه.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵): «مجمع البحرین»، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ ق): «کتاب الخلاف»، قم: النشر الاسلامی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸): «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: اسلام.
- عاملی، زین الدین علی (۱۴۱۶ ق): «تمهید القواعد الاصولیه و العربیه لتفریح قواعد الاحکام الشرعیه»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق): «تفسیر نورالثقلین»، قم: اسماعیلیان.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۵ ق): «الاصابه فی تمییز الصحابه»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰): «تفسیر عیاشی»، تهران: مکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴): «الجامع الاحکام القرآن»، تهران: ناصرخسرو.
- قربشی، باقر (۱۴۰۹ ق): «حیاه الامام الحسن العسکری»، بیروت: دارالاضواء.
- قربشی، علی اکبر (۱۳۷۷): «احسن الحدیث»، تهران: بنیاد بعثت.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷): «تفسیر قمی»، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹): «الکافی»، تهران: الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، «بحار الانوار»، تهران: نشر اسلامی.
- مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۷۸): «آیات الاحکام»، تهران: سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۳): «نظام حقوق زن در اسلام»، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶): «مجموعه آثار»، تهران: نشر صدرا.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ ق): «الکاشف»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴): «تفسیر نمونه»، قم: دارالکتب الاسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۶ ق): «انوارالاصول»، قم: نسل جوان.
نوری، یحیی (۱۳۸۵): «اسلام و عقائد و آراء بشری، یا جاهلیت و اسلام»، تهران: نوید نور.
واحدی نیشابوری، علی بن محمد (۱۴۱۱ ق): «اسباب نزول القرآن»، بیروت: دارالکتب العلمیه.

References

The Holy Qur'an

- Ibn Babawayh, Muhammad ibn 'Ali (1377): "Al-Khisal", Tehran: Ketabchi.
- Ibn Shahr Ashub, Muhammad ibn 'Ali (1376): "Manaqib Al Abi Talib", Najaf: Al-Maktabah al-Haydariyyah.
- Ibn Kathir, Isma'il ibn 'Umar (1419 AH): "Tafsir al-Qur'an al-'Azim", Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Ibn Abi Jumhur, Zayn al-Din (1403 AH): "'Awali al-La'ali", Qom: Mu'assasat Sayyid al-Shuhada'.
- Al-Alusi, Mahmud (1415 AH): "Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'Azim", Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Bahrani, Sayyid Hashim (1416 AH): "Tafsir al-Burhan", Tehran: Bunyad-e Ba'that. Behjatpur, 'Abd al-Karim (1398): "Rosh-e Farhang-sazi-ye Pakdamani dar Qur'an", Qom: Nashr-e Hajjar.
- Tamimi al-Maghribi, Mansur ibn Ahmad (1385): "Da'a'im al-Islam", Qom: Mu'assasat Al al-Bayt (AS).
- Jurjani, Abu al-Mahasin (1377): "Jala' al-Azhan wa Jala' al-Ahzan", Tehran: Samt.
- Al-Hurr al-'Amili, Muhammad ibn al-Hasan (1416 AH): "Wasail al-Shi'ah", Qom: Mu'assasat Ahl al-Bayt (AS).
- Darwazah, Qutb al-Din Sa'id (1383): "Al-Tafsir al-Hadith", Cairo: Dar Ihya'.
- Razi, Abu al-Futuh (1408 AH): "Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Qur'an", Mashhad: Astan-e Quds.
- Razi, Fakhr al-Din (1420 AH): "Mafatih al-Ghayb", Beirut: Dar Ihya'.
- Rawandi, Qutb al-Din (1405 AH): "Fiqh al-Qur'an fi Sharh Ayat al-Ahkam", Qom: Ketabkhaneye Ayatullah al-Mar'ashi al-Najafi.
- Suyuti, Jalal al-Din (1404 AH): "Al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Ma'thur", Qom: Ketabkhaneye Ayatullah al-Mar'ashi al-Najafi.
- Suyuti, Jalal al-Din (1421 AH): "Al-Itqan fi 'Ulum al-Qur'an", Beirut: Dar al-Fikr.
- Shahabi, Mahmud (1375): "Adwar-e Fiqh", Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Tabataba'i, Sayyid Muhammad Husayn (1379): "Qur'an dar Islam", Qom: Jame'at al-Mudarrisin-e Hoze-ye 'Elmiyyeh Qom.
- Tabataba'i, Sayyid Muhammad Husayn (1417 AH): "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an", Qom: Jame'at al-Mudarrisin-e Hoze-ye 'Elmiyyeh Qom.
- Tabarsi, Fadl ibn Hasan (1370): "Makarim al-Akhlaq", Qom: Sharif Razi.
- Tabarsi, Fadl ibn Hasan (1372): "Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Naser Khosrow.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412 AH): "Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tarihi, Fakhr al-Din (1375): "Majma' al-Bahrayn", Tehran: Murtada'i.
- Tusi, Muhammad ibn al-Hasan (1417 AH): "Kitab al-Khilaf", Qom: Al-Nashr al-Islami.
- Tayyib, Sayyid 'Abd al-Husayn (1378): "Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Eslam.
- 'Amili, Zayn al-Din 'Ali (1416 AH): "Tamhid al-Qawa'id al-Usuliyah wa al-'Ara-biyyah li Tafri' Qawa'id al-Ahkam al-Shar'iyah", Qom: Daftar-e Tablighat-e Islami.
- 'Aruzi al-Huwayzi, 'Abd 'Ali ibn Jum'ah (1415 AH): "Tafsir Nur al-Thaqalayn", Qom: Isma'iliyan.
- 'Asqalani, Ibn Hajar (1415 AH): "Al-Isabah fi Tamyiz al-Sahabah", Beirut: Dar

al-Kutub al-'Ilmiyyah.

'Ayyashi, Muhammad ibn Mas'ud (1380): "Tafsir al-'Ayyashi", Tehran: Maktabat al-Islamiyyah.

Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1364): "Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an", Tehran: Naser Khosrow.

Quraishi, Baqir (1409 AH): "Hayat al-Imam al-Hasan al-'Askari", Beirut: Dar al-Adwa'.

Quraishi, 'Ali Akbar (1377): "Ahsan al-Hadith", Tehran: Bunyad-e Ba'that.

Qummi, 'Ali ibn Ibrahim (1367): "Tafsir al-Qummi", Qom: Dar al-Kitab.

Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1369): "Al-Kafi", Tehran: Islamiyyah.

Majlisi, Muhammad Baqir (1363): "Bihar al-Anwar", Tehran: Nashr-e Eslami.

Madir Shanachi, Kazim (1378): "Ayat al-Ahkam", Tehran: Samt.

Mutahhari, Murtada (1353): "Nizam-e Huquq-e Zan dar Islam", Tehran: Nashr-e Farhang-e Eslami.

Mutahhari, Murtada (1376): "Majmu'ah-ye Athar", Tehran: Nashr-e Sadra.

Maghniyah, Muhammad Jawad (1424 AH): "Al-Kashif", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.

Makarim Shirazi, Naser (1374): "Tafsir Nemooneh", Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.

Makarim Shirazi, Naser (1416 AH): "Anwar al-Usul", Qom: Nasl-e Javan.

Nuri, Yahya (1385): "Islam wa 'Aqa'id wa Ara'-e Bashari, ya Jahiliyyat wa Islam", Tehran: Nawid-e Nur.

Wahidi al-Naysaburi, 'Ali ibn Muhammad (1411 AH): "Asbab Nuzul al-Qur'an", Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.

سال دهم

شماره اول

پیاپی: ۱۹

بهار و تابستان

۱۴۰۴